

موضوع تحقیق :

« راه نجات »

با رویکرد واژه شناسی و تطبیق

نام دانش پژوه :

محمد رضا زارع

استاد راهنما :

حضرت استاد کریمی (زید عزه)

مقطع تحصیلی :

پایه ی اول

مرکز آموزشی :

مدرسه ی علمیه ی آیت الله العظمی بهجت (ره)

سال تحصیلی :

۹۳ - ۹۴



تقدیم و تقدیر:

« بسم الله الرحمن الرحيم * والعصر * ان الانسان لغی خسر * الا الذین امنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر »

سپاس خداوند سبحان را که توفیقی به بنده ی حقیرش عنایت کرد و در مسیر انجام این پژوهش الطاف و عنایات خود را همراهمان ساخت تا آنچه در آینده می آید بتواند شرحی اندک بر علم بی کراش باشد . اهدوارپر بهره ای که از این نوشته می برپر باعث ایجاد تغییری در درونمان و حرکت به سوی هدف و کمال خویش گردد ، شاید از باران خاص رهبرمان باشهر انشاءالله...
در پایان قدردانی می شود از استاد کربهی (زبد عزه) که روحیه ای را در ما به جریان بخشید و نگاهی جدید نسبت به آن در ما پدیدار کرد

والعاقبه للمتقین

مقدمه :

زبان عربی کامل ترین زبان دنیا است و برای هر کدام از معناها ، عرب یک لغت خاص استفاده می کند به همین دلیل هر کلمه ای را که بکار می برد دارای مفهوم و منظوری است مثلاً کلمه ی «عین» دارای ۷۰ معنای متفاوت می باشد که با شناخت منظور عرب در جمله می توانیم به معنای آن پی ببریم در حالیکه اگر اشتباه معنا کنیم آن منظور خاص متکلم را متوجه نمی شویم .
این مطلب زمانی ارزش پیدا می کند که وارد ترجمه ی قرآن و روایات میشود. آن زمان است که اگر با کلمه و قواعد عربی آشنا نباشیم دچار اشتباه در فهم و درک صحیح کلام خداوند و آنچه اطهار (علیهم السلام) خواهیم شو و نهایتاً سردرگمی و از دست دادن این نعمت الهی .
در همین راستا بر آن شدیم تا با کلمه ی «خسر» از جهت معنا و استعمالات بیشتر آشنا شویم تا در هنگام ترجمه ی آیه های مربوطه معنا و منظور آن را درک کنیم .
در این مسیر ابتدا ریشه ی «خسر» را در «الجنید» بررسی کرده و سپس بدنبال معنای جامع در معنای اللغه و التحقیق فی کلمات القرآن به راه افتادیم .
در این مرحله با کمک اساتید مجرب و دانش اندک خویش مشغول به ترجمه و دسته بندی الینجد شدیم .
بعد از طی سنگین ترین مرحله ی کار رقیبتر به سراغ تطبیق های روایی و آیات. با استفاده از نرم افزارهای نور به جستجوی ریشه در قرآن پرداخته شد .
لازم بذکر است که براساس هر استعمالی چند مثال آورده شده است.
در فصل بعدی مقاله ای با موضوع راه نجات که به بررسی راهکارهای نجات از خسران در قرآن می پردازد نوشته شده است.

چکیده :

در فصل اول با استفاده از کتاب «المنجد» به بررسی ریشه و «خسر» و استعمالات و معنای آن خواهیم پرداخت مثل اینکه ثلاثی مجرد باب ض در باب افعال که استعمال شده به معنای «ضایع کرد آن حال را» می باشد و یقیناً و موارد نیز همچنین. سپس از مقایسه اللغه و التحقیق فی کلمات القرآن برای پیدا کردن معنای جامع کمک می گیریم. فصل دوم به کمک نرم افزارهای نور به جستجوی ریشه در قرآن و کتب روایی می پردازیم به این نحو که برای مصادر آن در صورت وجود چند مثال ذکر می کنیم. در فصل سوم مقاله ای با عنوان «راه نجات» خواهد آمد که در آن با استفاده از سوره و عصر به راهکارهای نجات از خسروانی که در آن قرار داریم پرداخته خواهد شد.

فصل اول : استعمالات لغوی	
مقدمه بخش اول	
بخش اول : واژه شناسی	
فعل	
معنای اول	
ثلاثی مجرد	
باب اول	
ثلاثی مجرد	
باب دوم	
ثلاثی مجرد	
ثلاثی مزید	
اسم (باب اول)	
جوامد	
هشتقات	
اسم (باب دوم)	
هشتقات	
معنای دوم	
ثلاثی مجرد	
ثلاثی مزید	
نتیجه بخش اول	
بخش دوم : معنای جامع	
هجرت معانی اللغه	
التحقیق فی کلمات القرآن	
فصل دوم : تطبیقات قرآنی و روایی	
فصل سوم : مقاله	
مقدمه	
چند پرسش	
هدف از این مقاله	
پاسخ از منظر قرآن کریم	
سرمایه ی انسان در این تجارت	
چهار اصل برای نجات	
راه آورد تجارت با خدا	
ویژگی های موهبتان و تاجران پرسود	
نمونه ای از فروش جان و خرید رضوان	
نتیجه گیری	
پی نوشت	
منابع	

فصل اول : استعمالات لغوی

بخش اول : واژه شناسی

هفدهم :

در این فصل با رجوع به ریشه و «خسر» به بررسی بابهای ثلاثی مجرد و هرزد آن خواهیم پرداخت و معنای هرکدام را مورد بررسی قرار می دهیم .
نمایان در مقایسه اللغه و التحقيق فی کلمات القرآن ، معنای جامع را دنبال می کنیم.

واژه شناسی :

فعل :

ثلاثی مجرد :

معنای اول :

ثلاثی مجرد :

باب اول : خَسِرَ : مضارع آن «يَخْسِرُ» بر وزن «يَفْعَلُ» می باشد یعنی در باب «سَمِعَ يَسْمَعُ» استعمال شده است.
این فعل لازم می باشد و معنایش با فاعل کامل می شود .

این کلمه ، فعل ثلاثی مجرد دارد برخلاف بعضی از افعال که ثلاثی مجرد ندارند مانند «أرسل»

ضد رَيْح ، هلك و ضَلَّ : به معنای در تجارت سود نبرد (ریح در لغت به معنای سود بردن در تجارت می باشد) ، از بین رفت ، نابود شد .

در اینجا هیچ بابی از ابواب ثلاثی هرزد را مطرح نکرده یعنی در هیچ کدام از این ابواب استعمال نشده است .

باب دوم : خَسِرَ : مضارع آن «يَخْسِرُ» بر وزن «يَفْعَلُ» می باشد یعنی در باب «ضَرَبَ يَضْرِبُ» استعمال شده است .

معنای آن در این باب (ضَبَعَه : ضایع کرد آن (مال) را) مانند باب قبلی می باشد به همین دلیل نیز آن ها را در یک شماره آورده است .

از جهت لازم بودن و ترجمه بوسیله ی یک فعل دیگر نیز همانند باب قبلی می باشد .

ثلاثی هرزد :

باب تفعیل : خَسِرُهُ : جَعَلَهُ يَخْسِرُ ، أَضْلَهُ ، أَهْلَكَ (معنی در باب تفعیل : به او زیان دادند ، از بین برد ، هدر داد آن را)

این باب ثلاثی مجرد به باب تفعیل میروند یعنی در این باب استعمال شده است.

در این باب نیز متعدی پنجمه است.

باب افعال : أَخْسَرُهُ : خَسِرُهُ - وَالرُّجُلُ تَفْسَهُ : وَقَعَ فِي خُسْرَانٍ (معنای باب افعال همان معنای باب تفعیل می باشد ، شخص خودش را در زیان قرار داد)

نوشتن کلمه ی «خَسِرُهُ» نشان دهنده ی این است که این کلمه نیز دارای معنای باب تفعیل می باشد یعنی در این دو باب دارای یک معنی می باشد.

این باب ثلاثی مجرد فقط همین دو باب ثلاثی هرزد را دارد .

اسم (باب اول):

جامد :

مصادر باب اول : خُسْرًا ، خُسْرًا ، خُسْرًا ، خُسْرًا ، خُسْرًا ، خُسْرًا و خُسْرَانًا

تمامی این هفت مصدر ، سماعی هستند.

مصدرهای باب دوم : خُسْرَانًا و خُسْرَانًا

هشتق :

اسم فاعل : خاسِر (مورد زیان واقع شده)

صفت هشتمه : خَسِيرٌ و خَسِيرٌ (از اینکه در کنار اسم فاعل آورده و معنی کرده بیفهمیم معنایش همان معنای اسم فاعل است)

اسم (باب دوم)

اسم فاعل : الخاسِر : فَا كَرَّةٌ خاسِرَةٌ : خَيْرٌ نَافِعَةٌ ذَاتُ خُسْرَانٍ (کسیکه در موضع خسران قرار گرفته است)

صفت هشتمه : الخَسِرُ و الخَسِرِيُّ : ج خاسِرَةٌ : «خاسر» جمع مکسر «الخَسِرُ و الخَسِرِيُّ» می باشد به معنای کسیکه در موضع خسران قرار گرفته است.

«نون» در این کلمات الحاق شده است

معنای دوم :

ثلاثی مجرد :

خَسِرَ : نَقَصَهُ

این فعل از باب «ضَرَبَ يَضْرِبُ» می باشد.

به معنای «ترازو را خیلی کم گذاشت»

ثلاثی هرزد :

باب افعال : أَخْسَرَ الْهَيْزَانَ : نَقَصَهُ

این فعل در این باب ثلاثی مجرد فقط به باب افعال مبرود.
یکی از معانی باب افعال کثرت می باشد که با توجه به همین نکته معنای آن میشود: ترازو را خیلی کمر گذاشت.

بخش دوم: معنای جامع
«مجرد مقایس اللغه»

خسر (خاء و سین و راء): کلمه ای است که دلالت میکند بر نقص و کمبود. (ج ۲، ص ۱۸۲)

«التحقیق فی کلمات قرآن کریم» (ج ۳، ص ۵۴)

خسران در حقیقت برای محروم شدن از سعادت و رسیدن به کمال مورد استفاده قرار گرفته است

«و إن لم تُغفر لنا وَ تُرحمنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» ۲۳/۷

پروردگارا! اگر ما را بخششی و بر ما رحم نکنی از زیانکاران خواهی بود.

مخضوب از خسران در آیات زیر با توجه به آوردن «گرفتن شیطان به سرپرستی و قتل اولاد و انفس و...» که همگی باعث سقوط انسان از مقامش میشود به معنای محرومیت از سعادت و کمال است که این محرومیت هم دنیوی و هم اخروی می باشد.

«و مَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا نَدُّونَ اللَّهُ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا عَظِيمًا» ۱۱۹/۴
و آنها که شیطان را به جای خدا ولی خود برگزینند زیان آشکاری کرد اند

«قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَعْمًا» ۱۴۰/۶

مسلمانان آنها که فرزندان خود را از روی سفاهت و نادانی کشتند زیان دینداران

«و اتَّبِعُوا مَن لَّمْ يَرِدْهُ هَالَهُ وَ وُلْدُهُ إِلَّا خَسَارًا» ۲۱/۷۱

و از کسانی پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان چیزی جز زیانکاری بر آنها نیفزود

«و لا يَرِيْدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا خُسَارًا» ۳۹/۳۵

و کفرشان جز زیان و خسران چیزی بر آنها اضافه نمی کند

فصل دوم:

تطبیقات قرآنی و روایی:

این ریشه در قرآن کریم ۶۵ بار استعمال شده است.

معنای اول:

ثلاثی مجرد از باب س: ۱۶ بار استعمال شده است.

وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا حَسْبًا ١١٩ / ٤
و آنها که شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیدند زبان آشکاری کرده اند

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَ مَا كَانُوا يَحْتَسِبُونَ ٤٥ / ١٠
انها که لقاء خداوند (و رستاخیز) ر انکار کردند زبان کردند و هدايت نيافتند

وَمَنْ حَقَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يُلْحِمُونَ ٩ / ٧
و کسانی که میزان های (عمل) آنها سبک است افرادی هستند که سرمایه ی وجود خود را بخاطر ظلم و ستمی که به آیات ما میکردند از دست داده اند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلُّ عُنُقُهُمْ مَا كَانُوا يَفْرَهُونَ ٢١ / ١١
آنها کسانی هستند که سرمایه ی وجود خود را از دست دادند و تمام معبود های دروغین از نظرشان گر شد .

قُلْ خَلْنُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كُتُبٌ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةِ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ١٢ / ٦
بگو از آن چیست آنچه در آسمانها و زمین است بگو برای خدا است رحمت را بر خود حتم کرده (و به همین دلیل) همه شما را بطور قطع در روز قیامت کعبه در آن شکی نیست هجتم جمع خواهد کرد ، تنها کسانی که سرمایه ی وجودی خویش را از دست داده اند و گرفتار خسارت شدند ایمان نمی آورند .

وَ لِلَّهِ حُلُكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْأَبْطَالُونَ ٢٧ / ٤٥
مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین برای خداست و آن روز که قیامت برپا می شود اهل باطل زبان می بندند .

مصادر : ٤ مورد در قرآن آمده است

وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَهْدِي الضَّالِّينَ إِلَّا خَسَارًا ٨٢ / ١٧
قرآن را نازل می کنیم که شفا و رحمت برای مومنان است و ستمگران جز خسارت نمی افزاید

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ٩ / ٦٥
انها وبال کار خود را کسبند و عاقبت کارشان زبان بود

مشتقات : ٨ مورد یافت شد

وَ قَالَ الْاِثْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شَعْبًا إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ ٩٠ / ٧
اشراف زور هندی که از قوم او کافر شده بودند گفتند : اگر از شعب پیروی کنید قطعاً مورد زبان واقع می شوید

بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِبَعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرَدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ١٤٩ / ٣
ای کسانی که ایمان آورده اید اگر از کسانی که کافر شده اند اطاعت کنید شما را به عقب باز می گردانند و سرانجام مورد زبان واقع می شوید

تلائی مجرد از باب ض : به نظر می آید اصلاً در هیچ آیه و روایتی استفاده نشده باشد .

تلائی مزید : به نظر می آید اصلاً در هیچ آیه و روایتی استفاده نشده باشد .

مصادر : دو مورد در قرآن وجود دارد

وَ لِأَنْتُمْ مُمْرُونَ وَ لِأَنْتُمْ مُمْرُونَ قَالِيكُمْ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَ لِأَمْثَلِمْ قَلْبَعِيْرُنْ خَلَقَ اللَّهُ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا حَسْبًا ١١٩ / ٤
و آنها را گمراه می کند و به آرزوها سرگرد می سازد و به آنها دستور می دهد که (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند و آنها که شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیدند زبان آشکاری کرده اند

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُمْ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِن رَّبِّي وَآتَيْتُمُوهُ رَحْمَةً فَمَن يَبْصُرُ مِن لَّدُنِ اللَّهِ إِن كَانَ عَصِيْبَةً فَمَا تَرِيدُونَ ﴿٦٣/١١﴾
گفت ای قوام من! آيا اگر من دليل آشكاري از پروردگار داشته باشم و رحمت او بر سر آيد ، اگر من نافرمانی او كنم چه كسي مي تواند مرا در برابر وي پاري دهد ؟ بنابراین سخنان شما چیزی جز اظهار انانیتان به زبانکار بودنتان بر من نمی زند

هشتتات : ۲۹ مورد در قرآن کریم یافت شد

لَا جِرْمَ أَنَّهُمْ فِي الْأَخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ۲۲/۱۱
(به همین دلیل) آنها مسلماً در سرای آخرت از همه زبانکارترند

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ۷۰/۲۱
انها می خواستند ابراهیم را با این نقشه نابود کنند ولی ما آنها را از زبانکار ترین مردم قرار دادیم

مَنْ يَمْدِ اللَّهُ فَمَوْءُ الْهَمْدِ وَ مَنْ يَضِلُّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۱۷۸/۷
آن کس را که خدا هدایت کند همدایت بآفته (واقعی) اوست و آنها را که (بخاطر اعتقادشان) گمراه سازد زبانکاران (واقعی) آنهاند

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ ۹۵/۱۰
و از آنها مباش که آیات خدا را تکذیب کردند که از زبانکاران خواهی بود

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ۱۲/۷۹
هیچکسند اگر قیامتی در کار باشد بازگشتی است زبانکار

معنای دهم :

تلاشی هجرت : به نظر می آید اصلاً در هیچ آیه و روایتی استفاده نشده باشد .

تلاشی هزید : دو مورد در قرآن آمده است

وَأَقْبِمُوا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ۹/۵۵
وزن را بر اساس عدل برپا دارید و در میزان کم نگذارید

وَأِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ۳/۸۳
اما هنگامیکه می خواهند برای دیگران کيل با وزن کنند کم می گذارند

« مقاله »

موضوع :

« راه نجات »

« مقدمه »

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ مِنَ الْإِنْسَانِ لَغِي خَسِرَ إِلَّا الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهَا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ»
برای هرکدام از سوره های قرآن لقبی انتخاب شده است مثلاً سوره ی حمد به مادر قرآن بیان شده و سوره ی عصر به چکبه ی قرآن معروف است ، یعنی عصاره ی تمام سخن خداوند سبحان در این سوره بیان شده است . انتخاب آن به این نام نشانگر بیان مطالب مهمی در آن می باشد و به طریق اولی تر تفکر و تدبیر در آن باید بیشتر و عمیق تر صورت گیرد . در آیه ی دوم همین سوره ی کوتاه از قرآن خداوند می فرماید :
فصلماً انسان ها در زبان هستند. با رجوع به تفاسیر متوجه میشویم که با مطالب بسیار سنگینی روبرو هستیم و باید چاره ای برای نجات از آن پیدا کنیم. به همین دلیل بر آن شدیم تا با تحقیقی جامع پیرامون کلمه ی «خسر» ابتدا وضعیتی را که در آن هستیم بشناسیم و سپس بدنبال کلید نجات از آن باشیم .
انشاءالله که در زندگی مومن مورد الطاف و عنایات خداوند متعال و ائمه اطهار قرار گرفته و در راه رسیدن به آنان به بهترین نحو ممکن شهادت شویم .

خداوند سبحان را شاکریم که توفیقی عنایت کرد و ما را در فرصتی بزرگ قرار داد و اندیشه ای در کلمه ای از سخنانش را عطا فرمود . به امید آنکه بتوانیم قدر آن را بدانیم و بیشترین سود را از آن ببریم.

محمد رضا زارع ، ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۳۶ ، مدرسه ی آیت الله العظمی بهجت (ره)

« چند پرسش »

۱. مراد از میدان تجارت بودن دنیا چیست؟

۲. سرمایه آدمیان در این دنیا چیست؟

۳. خریدار و فروشنده چه کسی است؟

۴. کالایی که مورد معامله قرار میگیرد چه چیزی است؟

۵. هدف از این تجارت چیست؟

۶. چه کسانی در این میدان تجارت، سود میبرند و چه کسانی در این تجارت دچار خسران میشوند؟ و ...

« هدف از این مقاله »

در این مقاله بدنبال آن هستیم تا پاسخ پرسش های مطرح شده را در قرآن بیابیم.

« پاسخ از منظر قرآن کریم »

خدای سبحان در تبیین ارکان شش گانه تجارت الهی فرمود: «ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله یقتلون و یقتلون و عدا علیه حقا فی التوریه و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا بیعکم الذی باعتم به و ذلک هو الفوز العظیم»^۱

خدای سبحان از مؤمنان جانها و اموالشان را خریداری کرده است که در برابرش بهشت برای آنان باشد به این گونه که در راه خدا بیکار نمیکنند، میکشند و کشته میشوند، این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟ اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده اید و این است آن پیروزی بزرگ.

بر اساس این آیه، در این تجارت ، ۱- خریدار خدای سبحان، ۲- فروشنده انسان مؤمن، ۳- مورد معامله: جان پاک و مال پاکیزه، ۴- بها: بهشت ابدی ۵- شاهد: انبیای الهی ۶- سند رسمی و امضاء شده آن کتابهای آسمانی آنان یعنی تورات و انجیل و قرآن کریم است.

« سرمایه انسان در این تجارت »

سرمایه انسان در میدان تجارت دنیا هدایت فطری، قدرت فهم و عقل، نیروی کار و عمر آدمی است که اگر در راه تحصیل عقاید و معارف الهی و اعمال صالح صرف شود تجارتي بی خسارت و سودآور خواهد بود و اگر در غیر این راه صرف شود زیانبار خواهد بود و مصلحتاً فرد از اهل خسارت است که : به عصر سوگند ، همه ی انسان ها در زیان اند .

این سرمایه های وجودی انسان خواه ناخواه از دست می رود . عمر به سرعت میگذرد و به پایان خود نزدیک میشود . نیروهای معنوی و هدای تجلی می رود و از توان و قدرت کاسته می شود . مهمی انسان ها در زیان قرار می گیرند و تنها یک راه برای نجات از این خسران عظیم وجود دارد و آن بدست آوردن سرمایه ی گرانبهاتر و با ارزش تر از سرمایه ی از دست رفته است و آن سرمایه ی عظیم : ایمان و عمل صالح و سفارش بکدبگر به حق و شکیبایی است که در آن رضای خدا و وصول به مقام او باشد . بنابراین افرادی که این سرمایه های خود را در راه بدست آوردن پول و مقام و کاخ و ... خرج کرده اند خاسرند و آنهایی که با سرمایه های عظیم و جاودانه معامله می کنند به طور یقین در تجارتشان سود می برند .

« چهار اصل برای نجات »

خداوند سبحان در سوره ی عصر چهار راه را برای نجات انسان هشخص کرده اند :

۱- ایمان که زیربنای تعارف اعمال انسان هاست . چون افراد بر اساس عقاید و تفکراتی که دارند کاری را نجار می دهند و به همین دلیل است که پیامبران الهی قبل از هر چیزی به حیاتی فکری و اعتقادی اهت ها می پرداختند .

۲- اعمال صالح : همانطور که بیان شد اعمال ما نشأت گرفت از ایمان هاست پس کار با داشتن ایمان تعارف نمی شود بلکه علاوه بر آن نیاز به عمل هم داریم . منظور از عمل صالح عملی است که وسیله تکامل و پیشرفت انسان ها در تمامی زمینه ها و قرب الی الله شود که این زمینه ها با توجه به شرایط و نیاز ها ، باید پاسخ داده شوند .

۳- دعوت همگانی و عمومی به سوی حق : وقتی که به دو مرحله ی بالا رسیدیم کار تعارف نمی شود بلکه باید ایمان را فراتر گذاشته و مردم جامعه را نیز به سوی ایمان به خداوند و انجام عمل صالح سوق دهیم و به تبلیغ دین بپردازیم .

۴- سفارش محمدیگر به شکلیابی و استقامت که این عمل هر یکی از راه های نجات انسان از خسر شمرده شده است .

« ره آورد تجارت با خدا »

همه ی افراد به طور یکسان در این معامله سود نمی برند بلکه آنهایی که بدنیال رضایت خداوند هستند و حاضرند برای ان همه ی هستی خود را بدهند سرانجام به خواستهای خود می رسند ولی افرادی که در سطح پایین تر و با اهدافی فرعی یا به هبدان می گذارند طبق فرموده ی قرآن به پاداش های متناسب با نیتشان می رسند :

« بغفرلکم ذنوبکم و بدخلکم جنات تجری من تحتها الأنهار و مساکن طیبه فی جنات عدن ذلک الفوز العظیم و آخری تیونها نصر من الله و

فتح قریب و بشر الحیونین»^۳ «گناهانتان را ببخشند و شما را در باغهایی از بهشت جاودان جای می دهد و این پیروزی عظیم است و نعمت دیگری که آن را دوست دارید به شما ببخشند و آن باری خداوند و پیروزی نزدیک است و مؤمنان را به این پیروزی بزرگ بشارت ده.»

بر اساس آموزه های این آیه ره آورد تجارت با خدا برای این افراد عبارت است از: ۱- بخشش گناهان ۲- راهیابی به بهشت جاودان ۳- پیروزی بر

دشمن ۴- نصرت الهی و پیروزی نزدیک

« ویژگیهای مؤمنان و تاجران پرسود »

خداوند سبحان در سوره توبه پس از دعوت به شرکت در معامله پر سود با خدا به ویژگیهای کسانی میپردازد که در این معامله شرکت میکنند و آنها را به این صورت بیان میکند : «التائبون العابدون الحامدون السائحون الراجعون الامرون بالمعروف و الناهون عن المنکر و

الحافظون لحدود الله و بشر الحیونین»^۴

مؤمنان کسانی هستند که توبه کنندگان، و عبادتکاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نمی کنندگان از منکر، و حافظان حدود و مرزهای الهی و بشارت ده به مؤمنان.»

بر اساس این آیه در واقع مؤمنان کسانی هستند که دارای ویژگیهای ذیل اند:

۱- توبه کار: کسانی که علاوه بر استغفار لسانی از اعمال خود نیز پشیمان گشته و دیگر قصد انجام آن را ندارند و بدنیال جبران گذشته ی خویش هستند .

۲- عابدان: افرادی که عشق و علاقه ی آنها به گفتگو با معبود ، باعث شده تا دایم در راز و نیاز با وی باشند .

۳- سپاسگزاران نعمتهای الهی: مؤمنان چون همه چیز را از رحمت الهی میبینند ، در راستای این دین وسیع اقدام به شکر نعمت های الهی می کنند .

۴- استمرار بر عبادت خدا و اطاعت او: کسانی که خداوند را لایق و شایسته ی عبادت یافتند و هر لحظه به انجام دستور او بپردازند .

۵- رکوع کنندگان: آنهایی که عظمت و بلندی خداوند متعال را درک کرده اند و دیگر نتوانستند از این حالت کرنش و تعظیم سر بردارند .

۶- سجده کنندگان: بندگانی که ب حقیر و محتاج بودن خویش نزد خدا پی برده و این عمل را بهترین کار خود برای رسیدن به خداوند می دانند .

۷- امرکنندگان به معروف: کسانی که فقط خود را آماده ی دین خداوند نمی کنند بلکه به دیگران نیز باری می رسانند تا بتوانند به سوی معشوق حرکت کنند .

۸- نمی کنندگان از امور ناپسند: کسانی که با هرگونه فساد و منکری مبارزه میکنند. ۹. نگهبانان مرزهای الهی: کسانی که مهمترین وظیفه اجتماعی خود را حفظ حدود الهی و اجرای قوانین او و اقامه حق و عدالت مینمایند. از دقت در این ویژگیها دانسته میشود که انسان هر باید به تربیت و تهذیب نفس و خودسازی بپردازد و هر با انجام وظائف اجتماعی به پاکسازی محیط و جامعه بپردازد

« نمونه ای از فروش جان و خرید رضوان »

فداکاری هولا امیرالمؤمنین (ع) در ليله الهیت و خوابیدن به جای پیامبر (ص) با پذیرش تعارض خطرانی که وجود داشت همانطور که در قرآن بیان شده بهترین نمونه ی رسیدن به رضای الهی می باشد :

«و من الناس من بشرى نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد»^{۱۰} بعضی از مردم با ایمان و فداکار جان خود را به خاطر خشنودی خدا بفروشدند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

« نتیجه گیری »

با دقت در مطالب این مقاله استنتاج می شود وقتی انسان پا به عرصه ی دنیا می گذارد سرمایه هایی همچون فطرت و عقل و هدایت الهی که توسط انبیا در اختیار انسان نهاده شده است باید وارد میدان تجارتی بزرگ شود و این استعداد های فنا پذیر را به معامله بگذارد ، معامله ای که فروشنده آن می باشد و خریدارش خداوند و مورد معامله جان پاک و حال پاکیزه و بهای آن بهشت ابدی و شاهدانش انبیا الهی و سند رسمی و امضا شده آن قرآن و کتاب های آسمانی است و تنها در صورتی این معامله صورت می گیرد که فرد ویژگی های مومنان را داشته باشد .

پی نوشتها :

۱-سوره ی توبه ، آیه ی ۱۱۱

۲-سوره ی عصر ، آیه ی ۱ تا ۳

۴- سوره ی توبه ، آیه ی ۱۱۲

۵- سوره ی بقره ، آیه ی ۲۰۷

« والعاقبه للمتقين »
« التحاس دعا »

منابع :

کتاب :

۱- قرآن کریم

نشریات :

۱- مجله باسدار اسلام تیرماه ۱۳۸۸ شماره ۱۶

نرم افزارها :

۱- نرم افزار نور